



سحر عصر آراد

«میهمان داریم» حکایت دورهمی خانواده‌ای است که تنها به‌مدد جهان بینابینی برزخ و جادوی دنیای فراواقعی تحقق پیدا می‌کند؛ مردگانی که به استقبال زندگان می‌آیند و زندگانی که به مردگان پناه می‌برند. پنجمین فیلم سینمایی محمدمهدی عسگرپور بعد از «پرواز در نهایت»، «قدمگاه»، «اقلیم» و «هفت‌وپنج‌دقیقه» چند ویژگی منحصربه‌فرد دارد. این نویسنده- کارگردان که در فیلم‌های سینمایی و سریال‌هایش به‌تناوب از حضور مستقل یا همکاری مشترک فیلمنامه‌نویسان بهره برده، این‌بار فیلمنامه «میهمان داریم» را براساس طرحی از منوچهر محمدی به نگارش درآورده است.

همکاری با محمد رضایی‌راد، محمدرضا گوهری و فرهاد توحیدی در سینما و سعید نعمت‌الله در تلویزیون، ناشی از نگاه تخصصی این فیلمساز به فیلمنامه‌نویسی است. بر همین اساس نگارش فیلمنامه سینمایی «میهمان داریم» توسط خود عسگرپور - همچون اولین فیلم سینمایی و چند مجموعه تلویزیونی- را می‌توان برآمده از درک درست او از نیاز قصه دانست که او را واداشته دست به قلم ببرد تا قصه‌ای روایت کند در مرز بین دنیای زلال و سوررئال و بر بستر دفاع‌مقدس که ریشه‌های ناگسستنی با آن دارد. منوچهر محمدی، طراح اولیه قصه هم از معدود تهیه‌کنندگان حرفه‌ای سینماست که همواره دغدغه‌های خاص خود را به مطلوب‌ترین شکل ممکن در سینما دنبال می‌کند و یکی از دلایل این موفقیت، انتخاب هوشمندانه نویسنده- کارگردانی است که بتواند بهترین روایت و اجرا را از ایده و طرح‌های او ارایه دهد.

با این پیش‌زمینه وقتی با خود فیلم مواجه می‌شویم، «میهمان داریم» روایتی است از قهرمانان خاموش و ناپیدای جامعه امروز ما که چون ظاهر و عمل قهرمانانه‌شان مطابق با الگوهای رایج قهرمانان کلاسیک نیست، دیده نمی‌شوند یا به گفته بهتر نادیده گرفته می‌شوند.

حاج‌ابراهیم (پرویز پرستویی) و فخری (آهو خردمند) پدر و مادر سه شهید و یک جانباز هستند که در این شهر بزرگ و در میان محله‌ای شلوغ و پرجمعیت زندگی می‌کنند اما به‌شکلی ناخواسته و خودخواسته حذف شده‌اند.

این حذف ناخواسته به جامعه و مردمانی بازمی‌گردد که گذر زمان بر رویدادهای پیرامون آنها کرد فراموشی پاشیده یا چه‌سا ترجیح می‌دهند چنین همسایگان، هم‌محله‌ای‌ها، همسهریان و هموطنانی را فراموش کنند چون یادآور دورانی تیره‌وتار هستند، دورانی که در ذهن برخی تنها یک خاطره تلخ است اما برای بسیاری یک تلخی تمام‌شدنی است که جای خالی عزیزانشان را هیچ چیز و هیچ‌کس نمی‌تواند پر کند جز خیال و روایا و آرزو.

حاج‌ابراهیم و فخری از همین فراموش‌شدگان هستند که گواه کام تلخشان، پسر جانبازشان رضا (بهروز شعبی) است که هیچ چیز نمی‌تواند آغوش باز او را برای مرگ، رو به‌سوی زندگی باز کند. همین‌جاست که ویژگی منحصربه‌فرد این خانواده نمونه‌وار خودنمایی می‌کند که به

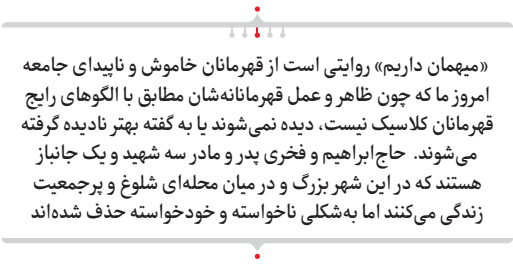
در حاشیه فیلم «میهمان داریم»

خانواده‌ای که هیچ‌گاه دورهم جمع نشد



پرویز پرستویی و آهو خردمند در صحنه‌ای از فیلم میهمان داریم

خودخواستگی این حذف و فراموش‌شدگی بازمی‌گردد. این پدر و مادر هرچند در محله‌ای شلوغ و پرجمعیت زندگی می‌کنند اما رفتار و سلوک آنها و نگاهشان به پیرامون و حتی اشیا و اجزای خانه به‌گونه‌ای در همان گذشته متوقف مانده است. درواقع این حاج‌ابراهیم و فخری هستند که با بستن در به‌روی هوای تازه و طبعاً حال‌وهوای جدید و رویدادهای پیرامون، درون و برون را در گذشته نگاه داشته‌اند و کمتر نمودی از ظواهر زندگی و جامعه زمان حال در خانه و زندگی و روابط آنها به چشم می‌خورد.



با چنین تعریفی از این خانواده است که می‌توان تجربه غریب آنها در برزخ میان مرگ و زندگی را با منطق خاص حاکم بر این قصه و دنیای خاص آدم‌هایش پذیرفت و با آن ارتباط برقرار کرد.

بخش وسط میانه‌ای مهم و تاثیرگذار از دورهمی و همجواری

خانواده‌ای است که در عالم واقعیت فرصت همراهی پیدا نکرده‌اند، این

بخش وسط میانه‌ای مهم و تاثیرگذار از دورهمی و همجواری

خانواده‌ای است که در عالم واقعیت فرصت همراهی پیدا نکرده‌اند، این

بخش وسط میانه‌ای مهم و تاثیرگذار از دورهمی و همجواری

خانواده‌ای است که در عالم واقعیت فرصت همراهی پیدا نکرده‌اند، این

بخش وسط میانه‌ای مهم و تاثیرگذار از دورهمی و همجواری

خانواده‌ای است که در عالم واقعیت فرصت همراهی پیدا نکرده‌اند، این

بخش وسط میانه‌ای مهم و تاثیرگذار از دورهمی و همجواری

خانواده‌ای است که در عالم واقعیت فرصت همراهی پیدا نکرده‌اند، این

بخش وسط میانه‌ای مهم و تاثیرگذار از دورهمی و همجواری

خانواده‌ای است که در عالم واقعیت فرصت همراهی پیدا نکرده‌اند، این

بخش وسط میانه‌ای مهم و تاثیرگذار از دورهمی و همجواری

خانواده‌ای است که در عالم واقعیت فرصت همراهی پیدا نکرده‌اند، این

بخش وسط میانه‌ای مهم و تاثیرگذار از دورهمی و همجواری

خانواده‌ای است که در عالم واقعیت فرصت همراهی پیدا نکرده‌اند، این

بخش وسط میانه‌ای مهم و تاثیرگذار از دورهمی و همجواری

خانواده‌ای است که در عالم واقعیت فرصت همراهی پیدا نکرده‌اند، این

بخش وسط میانه‌ای مهم و تاثیرگذار از دورهمی و همجواری

خانواده‌ای است که در عالم واقعیت فرصت همراهی پیدا نکرده‌اند، این

بخش وسط میانه‌ای مهم و تاثیرگذار از دورهمی و همجواری

خانواده‌ای است که در عالم واقعیت فرصت همراهی پیدا نکرده‌اند، این

بخش وسط میانه‌ای مهم و تاثیرگذار از دورهمی و همجواری

خانواده‌ای است که در عالم واقعیت فرصت همراهی پیدا نکرده‌اند، این

بخش وسط میانه‌ای مهم و تاثیرگذار از دورهمی و همجواری

خانواده‌ای است که در عالم واقعیت فرصت همراهی پیدا نکرده‌اند، این

بخش وسط میانه‌ای مهم و تاثیرگذار از دورهمی و همجواری

خانواده‌ای است که در عالم واقعیت فرصت همراهی پیدا نکرده‌اند، این

بخش وسط میانه‌ای مهم و تاثیرگذار از دورهمی و همجواری

خانواده‌ای است که در عالم واقعیت فرصت همراهی پیدا نکرده‌اند، این

بخش وسط میانه‌ای مهم و تاثیرگذار از دورهمی و همجواری

خانواده‌ای است که در عالم واقعیت فرصت همراهی پیدا نکرده‌اند، این

بخش وسط میانه‌ای مهم و تاثیرگذار از دورهمی و همجواری

خانواده‌ای است که در عالم واقعیت فرصت همراهی پیدا نکرده‌اند، این

بخش وسط میانه‌ای مهم و تاثیرگذار از دورهمی و همجواری

خانواده‌ای است که در عالم واقعیت فرصت همراهی پیدا نکرده‌اند، این

بخش وسط میانه‌ای مهم و تاثیرگذار از دورهمی و همجواری

خانواده‌ای است که در عالم واقعیت فرصت همراهی پیدا نکرده‌اند، این

بخش وسط میانه‌ای مهم و تاثیرگذار از دورهمی و همجواری

خانواده‌ای است که در عالم واقعیت فرصت همراهی پیدا نکرده‌اند، این

بخش وسط میانه‌ای مهم و تاثیرگذار از دورهمی و همجواری

خانواده‌ای است که در عالم واقعیت فرصت همراهی پیدا نکرده‌اند، این

بخش وسط میانه‌ای مهم و تاثیرگذار از دورهمی و همجواری

خانواده‌ای است که در عالم واقعیت فرصت همراهی پیدا نکرده‌اند، این

بخش وسط میانه‌ای مهم و تاثیرگذار از دورهمی و همجواری

خانواده‌ای است که در عالم واقعیت فرصت همراهی پیدا نکرده‌اند، این

بخش وسط میانه‌ای مهم و تاثیرگذار از دورهمی و همجواری

خانواده‌ای است که در عالم واقعیت فرصت همراهی پیدا نکرده‌اند، این

بخش وسط میانه‌ای مهم و تاثیرگذار از دورهمی و همجواری

سینمای ایران

فراسو

مریلا زارعی در «ماهی سیاه کوچولو»

شرق: فیلمبرداری اولین فیلم بلند سینمایی مجید اسماعیلی که مدتی پیش با بازی مریلا زارعی و مصطفی زمانی کلید خورده بود، از نیمه گذشت. اسماعیلی که پیش‌تر فیلم‌های تلویزیونی، از جمله «کمی دورتر» را کارگردانی کرده، این روزها در جنگل‌های آمل در حال ساخت اولین فیلم سینمایی خود به‌نوشته علی طالب‌آبادی و تهیه‌کنندگی محمدرضا شفیعی با عنوان «ماهی سیاه کوچولو» است. «ماهی سیاه کوچولو» حاصل دومین همکاری سینمایی طالب‌آبادی و شفیعی بعد از فیلم سینمایی «زندگی خصوصی آقا و خانم میم» است. همزمان با فیلمبرداری «ماهی سیاه کوچولو» تدوین، صداگذاری و ساخت موسیقی این فیلم سینمایی آغاز شده و اولین اکران آن در جشنواره فیلم فجر خواهد بود. علاوه‌بر مریلا زارعی و مصطفی زمانی، همایون ارشادی نیز در این فیلم به ایفای نقش می‌پردازد و قرار است که در ادامه فیلمبرداری دو بازیگر دیگر به فیلم «ماهی سیاه کوچولو» اضافه شوند.

جایزه‌ویژه «اکورت» برای «خانه وکلید»

منصور جهانی: فیلم کوتاه «خانه وکلید» به کارگردانی «شوان عطوف» جایزه ویژه بخش رقابتی اصلی چهاردهمین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم «اُکورت» در کشور ایتالیا را از آن خود کرد. فیلم کوتاه داستانی «خانه و کلید» (مال کارگردانی «شوان عطوف» فرمند کردستان و عراق و محصول اداره سینمای شهر سلیمانیه در اقلیم کردستان، در جدیدترین حضور بین‌المللی خود، ساعت ۷/۳۰ غروب ۲۰آبان در بخش رقابتی بین‌الملل در چهاردهمین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم «اُکورت» O Curt در شهر ناپولی در کشور ایتالیا روی پرده رفت و توانست جایزه ویژه هیات داوران این جشنواره را به‌دست آورد. این فیلم ۱۵دقیقه‌ای که توسط کمپانی «آی‌لوف فیلم» در اقلیم کردستان و کشور انگلستان در سطح جهان بخش بین‌المللی می‌شود، در جشنواره فیلم «اُکورت» یا ۱۷فیلم از کشورهای فرانسه، آلمان، اسپانیا، ترکیه، ایتالیا، روسیه، سوریه، آمریکا و هنگ‌کنگ به رقابت پرداخت و ششمین جایزه معتبر بین‌المللی خود را به‌دست آورد و در ۳۰جشنواره جهانی دیگر نیز برای تصاحب جایزه، در بخش رقابت اصلی قرار دارد.

اعضای هیات داوران چهاردهمین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم «اُکورت» که ترکیبی از سینماگران سرشناس و باتجربه ایتالیایی بودند، عبارتند از: «دانیل جیبرتی» -مدیر تصویربرداری و رئیس هیات‌داوران، «جوزپه بوروسی»- منتقد فیلم و محقق تاریخ سینما، «موروزیو بروچی» - فیلمنامه‌نویس و «کلودیو دی‌بیاجیو»- بازیگر، کارگردان و تهیه‌کننده. این جشنواره با نمایش آثار کشورهای مختلف جهان در چندین‌بخش رقابتی و غیررقابتی، از جمله: بخش «رقابتی بین‌الملل»، بخش «رقابتی ناپولی»، بخش «رقابتی انیمیشن»، بخش «رقابتی لیجیرو»، بخش «رقابتی آموزشی» و همچنین بخش غیررقابتی در روزهای ۲۸آبان تا یکم‌آذر امسال (۱۹تا۲۲ نوامبر۲۰۱۴) در شهر ناپولی در کشور ایتالیا برگزار شد.

فیلم کوتاه «خانه وکلید» در آخرین حضور بین‌المللی خود با حضور «شوان عطوف» در بخش رقابتی جشنواره بین‌المللی فیلم «فایتی کورتی» Fiati Corti در شهر ونیز ایتالیا روی پرده رفت و توانست جایزه ویژه هیات‌داوران این جشنواره را به‌دست آورد.

کاپیز دیربار در ساکن طبقه وسط

چهارشنبه ۱۲ آذر ۱۳۹۳

قاب حقیقت

نقدی بر مستند «قاشق» ساخته جلال ویسی قاشق چیست؟



فرانک آرتا

«قاشق» فیلمی تکان‌دهنده است که به‌دور از هرگونه تکلفی به عمق ذهن پسران و مادران منطقه کردنشین می‌رود و علل تنفر مردان و زنان از یکدیگر را از زبان شخصیت‌ها بازگو می‌کند. فیلم ساختار ساده‌ای دارد. شخصیت‌ها با بیان دیدگاه‌شان در حد یک واژه و حتی تک‌جمله و فیلمساز با طرح پرسش‌هایی به شیوه سینمای صامت و در قالب میان‌نویس، عمق فاجعه را به‌آرامی از پوسته به هسته می‌کشاند. سوال ساده‌ای درابتدای فیلم مطرح می‌شود: قاشق چه مصارفی دارد؟ جواب عادی‌اش هم چنین است: وسیله‌ای برای غذاخوردن! و…

اما درست در پلان بعدی دوربین، پسرپچه‌ای را نشان می‌دهد که جای داغی روی بدنش خودنمایی می‌کند. تماشاگر کنجکاوانه می‌خواهد علت این خشونت را بفهمد. آن وقت در میان حرکات و جست‌وخیزهای کودکانه، مادری با لبخند مقابل دوربین می‌گوید من با قاشق بچه‌ام را داغ کردم! چون زیاد شیطونی می‌کرد، حتی در نمایی پسرپچه‌ای به‌دلیل علاقه وافر به مادرش اصل قضیه را انکار می‌کند و مسبب این خشونت را مادرش نمی‌داند؛ اما مادر همچنان با لبخند می‌گوید من داغ کردم، چون حرف‌گویشان نبود؛ همین لبخند عادی کافی است تا تماشاگر متوجه شود که داستان به این سادگی‌ها هم نیست. درواقع فیلمساز با چندپلان ساده، روی یکی از مهم‌ترین ابعاد روان انسان دست گذاشته و ناخودگانه ذهن انسان را به نطفه شکل‌گیری روابط زن و مرد رهنمون می‌کند. از نظر روانشناسانه و روانکاوانه، پسران به مادرانشان خیلی وابسته‌اند. به‌طوری که مادر، قدرتمندترین شخص تمام زندگی یک مرد محسوب می‌شود. این دیدگاه شیوه از سوی یونگ، روانشناس مشهور، ثابت شده و کاملاً قابل تبیین است. به‌طوری که نوع رابطه فرزند با مادر بعدها در روابط و زندگی آینده بچه تاثیر قطعی دارد. در سال‌های اولیه، مادر برای پسرپچه خود همه زندگی است، بی‌شک «عقده مادر» سخت‌ترین ممکن است موجب بی‌زاری او از مادرش را فراهم کند، حتی در بزرگسالی این احساس انزجار از مادر را به هر زنی که بخواد با او رابطه عاطفی نزدیک داشته باشد، فراقتنی کند و به مانعی بزرگ برای ارتباط با جنس مخالف تبدیل شود. چنین نگاهی در کلیت فیلم حکمفرماست. در پلان‌های بعدی از چندپسر نوجوان درباره چگونگی داغ‌شدنشان درآن سن‌وسال می‌پرسند و آنها هم پاسخ می‌دهند که به‌خاطر نزدیک‌شدن به دختری داغ شدند. به مرور، شکل رابطه میان دختران و پسران به گونه‌ای پیش می‌رود که تاثیرات آن در ناخودگاه پسرپچه نمایان می‌شود، به‌طوری که وقتی از آنها می‌پرسند آیا دوست داشتید دختر باشید؟ پاسخ آنها منفی است و حتی چنین مسأله‌ای را شرم‌آور می‌دانند، چون دخترا باعث شدند که آنها داغ شوند! فیلمساز با ریزبینی فقط قصد مطرح‌کردن مشکلات را ندارد، بلکه با قراردادن شخصیت‌ها در تک پلان‌های جداگانه و تک‌وتتها که به‌طور مثال یکی از آنها فقط با سنگ‌بازی می‌کند، نشان می‌دهد که ذهنیات، کار خود را کرده و از دوران کودکی شکل رابطه مردان و زنان درآن جامعه پر از سوءتفاهم تعیین شده است. در حقیقت عینی‌کردن ذهنیات و تصورات یک شخصیت با چیدمان چند پلان ساده، هنرمندی فیلمساز را نشان می‌دهد که کودکی هر انسان چقدر در تمام شئونات زندگی‌اش تاثیر می‌گذارد. تنظیم رفتارهای، به اصطلاح عادی ولی درواقع ناهنجار بیش از هرچیز مسأله آموزش را مهم و انکارناشدنی مطرح می‌کند. چون دختران و پسران دنیای فیلم که قطعا مادران و پدران آینده هستند، به‌جای اینکه در محیط‌های آموزشی حضور داشته باشند، بدون هدف در کوچه‌پس‌کوچه‌ها در کنار هم پرسه می‌زنند و در غیاب مادران خود، ناخواسته سرنوشت شوم خود را درآینده‌ای مبهم رقم می‌زنند.

شوم خود را درآینده‌ای مبهم رقم می‌زنند.

شوم خود را درآینده‌ای مبهم رقم می‌زنند.

شوم خود را درآینده‌ای مبهم رقم می‌زنند.

شوم خود را درآینده‌ای مبهم رقم می‌زنند.

شوم خود را درآینده‌ای مبهم رقم می‌زنند.

شوم خود را درآینده‌ای مبهم رقم می‌زنند.

شوم خود را درآینده‌ای مبهم رقم می‌زنند.

شوم خود را درآینده‌ای مبهم رقم می‌زنند.

شوم خود را درآینده‌ای مبهم رقم می‌زنند.

شوم خود را درآینده‌ای مبهم رقم می‌زنند.

شوم خود را درآینده‌ای مبهم رقم می‌زنند.

شوم خود را درآینده‌ای مبهم رقم می‌زنند.

شوم خود را درآینده‌ای مبهم رقم می‌زنند.

شوم خود را درآینده‌ای مبهم رقم می‌زنند.

شوم خود را درآینده‌ای مبهم رقم می‌زنند.

شوم خود را درآینده‌ای مبهم رقم می‌زنند.

شوم خود را درآینده‌ای مبهم رقم می‌زنند.

شوم خود را درآینده‌ای مبهم رقم می‌زنند.

شوم خود را درآینده‌ای مبهم رقم می‌زنند.

شوم خود را درآینده‌ای مبهم رقم می‌زنند.

شوم خود را درآینده‌ای مبهم رقم می‌زنند.

شوم خود را درآینده‌ای مبهم رقم می‌زنند.

شوم خود را درآینده‌ای مبهم رقم می‌زنند.

شوم خود را درآینده‌ای مبهم رقم می‌زنند.

شوم خود را درآینده‌ای مبهم رقم می‌زنند.

شوم خود را درآینده‌ای مبهم رقم می‌زنند.

شوم خود را درآینده‌ای مبهم رقم می‌زنند.

شوم خود را درآینده‌ای مبهم رقم می‌زنند.

شوم خود را درآینده‌ای مبهم رقم می‌زنند.

شوم خود را درآینده‌ای مبهم رقم می‌زنند.

شوم خود را درآینده‌ای مبهم رقم می‌زنند.

شوم خود را درآینده‌ای مبهم رقم می‌زنند.

شوم خود را درآینده‌ای مبهم رقم می‌زنند.

شوم خود را درآینده‌ای مبهم رقم می‌زنند.